

توسعه درون‌زا راه نجات یا تله راهبردی؟



امیرثامنی

پس از پایان جنگ و آغاز دوره بازسازی کشور، از یک سو با ورود گسترده دولت به تمامی عرصه‌های زیربنایی و تولیدی و از سوی دیگر با بازشدن تدریجی فضای سیاسی کشور، گسترش مطبوعات و رسانه‌های جمعی، یک گزاره مهم به‌تدریج، هم از سوی نخبگان و صاحب‌نظران و هم از سوی بوروکرات‌ها و مدیران اجرایی کشور جمع‌بندی شد و آن هم خلا وجود یک «نظریه پایه توسعه» برای کشور به‌منظور جهت‌دهی و انتظام‌بخشی به همه کوشش‌های نظری و عملی و خاتمه‌دادن به سردرگمی‌ها و اوجاج‌ها در مسیر بازسازی و توسعه همه‌جانبه کشور است.
اهمین‌رو در راستای اقداماتی که در ابتدای دهه ۱۳۶۰ در سازمان برنامه با الگوگیری از مطالعات آمایش سستیران در قِبل از انقلاب انجام شده بود، چارچوبی اولیه برای نظریه پایه توسعه در کشور نگارش شد و ایده «الگوی توسعه درون‌زا» به‌تدریج از درون آن خلق شد؛ ایده‌ای که اولاً در تناسب با یکی از شعارهای محوری انقلاب یعنی «استقلال» بود و ثانیاً متکی به باور عمومی رواج‌یافته‌ای بود که ایران را سرزمین خوابیده‌روی کنج منابع و ثروت‌های بی‌پایان می‌دانست که تا به امروز استعمار خارجی و مزدوران داخلی آن را به تاراج برده‌اند؛ ازاین‌رو کاربست آن الگو مرتفع‌کننده همه نیازهای کشور است. علاوه بر این از منظر ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک نیز انتخاب این الگو، به نظر می‌رسد به‌نوعی توضیح‌دهنده قبول یکی از اصلی‌ترین نظریات مرتب‌بر تحلیل ایران یعنی «تنهایی استراتژیک» ایران در خاورمیانه است.
انتخاب الگوی توسعه درون‌زا و مطرح‌شدن پیاپی آن در تریبون‌های رسمی و محافل مختلف قدرت سبب شد نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کشور نیز متأثر از ارزش‌های ایدئولوژیک و برخی دیگر از خطاهای محاسباتی، انگار‌ها و الزامات تحقق این‌الگورادر سیاست‌گذاری‌ها، مقررات‌گذاری‌ها و رویه‌گذاری‌های خویش به شکل‌های مختلف بازتولید کند.

یادداشت

ملاحظات نظری جنگ ۱۲روزه



سیدصادق حقیقت

جنگ ناعادانه و تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی علیه ۱۱٫۷ نشان داد نه به حقوق بین‌الملل به‌درستی عمل می‌شود، نه سازمان‌های بین‌المللی قادرند وظایف خود را به‌خوبی انجام دهند. این حملات، که با حمایت کشورهای غربی انجام شد، نشان داد که آن را باید در دل طرحی بزرگ برای منطقه ارزیابی کرد. در جبهه داخلی نیز شاهد تحولات جدیدی بودیم. از آن جمله می‌توان به رویکردی نو به ایرانیت و نمادهای آن اشاره کرد. به طور کلی مروری بر چند ملاحظه‌تئوریک شاید بتواند به روشن‌شدن برخی مسائل روبنایی‌تر کمک کند:

۱- نخستین سؤال، به لحاظ رتبه (lexically)، به ماهیت خشونت (violence) از منظر فلسفی بازمی‌گردد. رویکرد عقلی، فلسفی و برون‌دینی چه دیدگاهی را درباره خشونت تأیید می‌کند؟ نسبت وقایع اخیر با جنگ عادلانه و ناعادانه (Just & Unjust Wars) در فلسفه سیاسی چیست؟ اینکه برخی بزرگان گفته‌اند «از راه جنگ نمی‌توان به صلح رسید» آیا بر مبنایی فلسفی تکیه می‌زند؟ آیا تاملات دقیقی راجع به نظریه صلح (Peace Theory) داشته‌ایم؟

۲- اگر رویکرد فقهی درباره خشونت را بخشی از الهیات جنگ (Theology of war) در اسلام تلقی کنیم، این سؤال قابلیت طرح دارد که تفاوت دو گفتمان اسلام سیاسی (Political Islam) و اسلام اجتماعی (Islamic Socialism) غیرحکومتی، به شکل خاص در دوران غیبت چه می‌تواند باشد؟ جنگ ۱۲روزه چه نسبتی با جهاد دفاعی و ابتدایی (و عناوینی مانند محاربه) پیدا می‌کند؟

۳- براساس گفتمان اسلام سیاسی، سؤال دیگری از منظر فقهی قابلیت طرح دارد: آیا به شکل کلی و کلیوی، قدرت شرط تکلیف به حساب می‌آید؟ و به شکل صفروی، قدرت ما در برابر خیل دشمنان -با توجه به اینکه با طرحی بزرگ برای خاورمیانه مواجهیم- چه میزان ارزیابی می‌شود؟

۴- از نظر تاریخی، وظیفه ما همانند امام حسین (ع) -یعنی قیام عاشورایی- است یا باید وضعیت خود را با صلح امام حسن (ع) و صلح حدیبیه مقایسه کنیم؟

شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۴ ۱۶ محرم ۱۴۴۷ ۱۲ جولای ۲۰۲۵ سال بیست‌ویکم شماره ۵۱۵۳ ۳۰ هزار تومان ۱۲ صفحه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه



روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه